



۲۰۱۹/۰۹/۰۳



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت چهارم



ای که گفتمی جان بده تا باشدت آرام جان
جان به غم هایش سپردم نیست آرامم هنوز



«محدوده یا محیط آزمایش» و «مخفی نگهداشتن متن»:

برداشت یا استنباط از «محدوده آزمایش» (گوفمن 1974 Goffman میلادی) از یک طرف، و «متن مخفی» (سکات J. Scott) از طرف دیگر، فرضیه های هستند که این کار تحقیقاتی را تحقق می بخشند. ایدئولوژی ضمنی (idéologie implicite) اجتماعات مختلف مردم که قبلاً از آن نام برده شد، نمایانگر یک «متن مخفی» که محصول داخلی یک ساحة ماواری سیاسی بوده و مطیع دینامیک خاص در ساحة می باشد. این متن قالب ابتدائی یا نخستین یک آزمایش است که می تواند تعداد زیادی تغییرات و قشر بندی ها را ارائه نماید. بر علاوه تمام محدوده از یک احوال و اوضاع، که هدف آن دادن یک جواب مناسب و بجا به سوالی می باشد که: «در این جا چه می گذرد؟»، بسیار آسیب پذیر بوده و می تواند دستخوش یک سقوط و زوال گردد. نظریاتی که در این تحقیق نشان داده می شود قرار ذیل اند:

عملیه های تأثیرات متقابل که عمل کرد های شورشیان را پیوند می دهد علیه دولت توسط اقشار مختلف مردم و اتکاء می کند بالای کار در محدوده که اجازه دادن درک از درگیری که از سال 2002 میلادی آغاز گردیده، بالای اجتماعات مردم که همه ناظرین خارج این درگیری هستند...

مشاهده این عملیه دو مرحله دارد:

انعکاس از متن مخفی که فعالیت ها را در قالب یا چهارچوکاتی قرار داده که تعداد زیاد اقشار مردم در آن سهم می باشند.

فهرست فعالیت ها یا اقدامات دسته جمعی که در این عملیه خود را گنجائیده و منشأ آزاد سازی یا ترخیص جزئی و ناقص یک قسمت یا یک بخش متن مخفی در بین ناظرین خارج از درگیری است.

کار های تحقیقاتی علمی و مشاهدات در ساحه:

فرضیه هایی که قبلاً تعریف گردید به صورت تنگاتنگ وابسته به موادی می باشد که در هنگام ریسرچ و مشاهدات بالای ساحه جمع آوری گردیده است.

ملاقات های مستقیم در ولایات مختلف کشور، چون ولایات بلخ، بامیان، دایکندی، غزنی، لغمان، لوگر، ننگرهار، کابل، قندهار، پکتیا، خوست، پروان، وردک، و همچنین با بازیگران مختلف محلی، قومندان های پولیس، والی ها، ولسوال ها، رهبران اقتدار محلی مانند ریش سفیدان، بزرگان قومی، ریاست های صحت ولایات با کارگران صحتی، ریاست ها و کارکنان معارف ولایات، ریاست های زراعت آبیاری و مالداري و کارکنان زراعت در ولایات، ریاست های امور زنان ولایات و کارکنان آن و بالاخره مردم محل. فکتور های مختلف و بی شمار در ملاقات ها مداخله نموده و عامل تعیین کننده در نوعیت متن که تهیه شده، می باشد.

سکات J. Scott این نوع متن را به نام متن عامه یاد می نماید. (متن عامه (Texte public, J. Scott, 2008).

که وی این متن عامه را ارتباط می دهد به «اشخاص مسلط (dominants)» و «اشخاص تحت سلطه (dominés)». اولی کوشش می کند تا دلیل موجهی برای بارز بودن خود بدهد، و دومی کوشش می کند که با حيله و نیرنگ از آشکار شدن «متن مخفی» که محصول گروه است که به وی تعلق دارد، جلوگیری کند. پس محصول به دست آمده از ریسرچ بالای ساحه به شدت تابع و وابسته به شرایطی است که در آن ملاقات صورت گرفته است. و این مربوط به شرایط خاص و اوضاع و احوال هر منطقه می باشد، اما دو فکتور ثابت باقی می ماند: گرفتن تصمیم قبلی از مشاهده (یعنی سوال کننده از قبل فکر می کند که بر اوضاع مسلط است)، از یک طرف و اوضاع اجتماعی مشاهده کننده از طرف دیگر.

گرفتن تصمیم قبلی برای مشاهده:

رعایت نمودن شرایط مشاهده که مربوط می شود به طرز انتخاب و یا نحوه و چگونگی ورود یا داخل شدن در ساحه از یک طرف، و انتخاب وضعیت برای اداره نمودن معضله موجودیت فاصله اجتماعی بین مشاهده کننده و شخصی که مورد مشاهده قرار می گیرد، از طرف دیگر.

موضوع این مطالعات مشخصاً بالای سوالاتی اتکا دارد که مربوط به موضوعات سیاسی، اجتماعی و نظامی، (فهم و درک از جریان انتخابات و همچنین سوالات مربوط به خشونت های مسلحانه)، می شود. باید علاوه نمود که بر علاوه ولایات افغانستان در سال های 2004 ، 2005 و 2006 میلادی ملاقات ها و گفت و گو ها در مناطق قبایلی، دره اسماعیل خان (NWFP)، پشاور، اسلام آباد نیز انجام داده ام.

سوال در مورد موجودیت فاصله اجتماعی بین مشاهده کننده و مشاهده شونده:

در این تحقیق کوشش گردیده تا جنبه حقیقی اظهارات که به موضوع مطابقت داشته باشد، دانسته شده و نیز من به طریقه های مختلف کوشش نمودم تا دریابم که آیا جوابات به صورت مستدل با حقایق هم آهنگی دارند، یا خیر؟

تقلب نمودن اشخاصی که از آن ها سوال می گردد و فاصله اجتماعی که ناگزیر مشاهده کننده را از مشاهده شونده جدا می سازد، نشان دهنده یک پدیده دوباره برگشت به نقطه آغاز می باشد.

من به زودی متوجه موجودیت دو روش یا دو شیوه که در نظر اول متضاد یک دیگر بوده، مگر دارای عین نقش در نزد اشخاصی که مصاحبه شده اند می باشد: یکی فاصله گرفتن بسیار زیاد و دومی نزدیکی زیاد.

فاصله گرفتن زیاد:

اکثراً واقع می شود که شخص مورد مصاحبه و مشاهده، یک رفتار و برخورد دوری گرفتن را در مقابل مشاهده کننده اختیار می کند.

جوابات در مقابل اکثریت سوالات مبهم و گنگ می باشد و برای محقق یک نقطه که توسط آن بتواند پیش برود، نمی گذارد. منطق عمومی صحبت، و کلام که در این شرایط به دست آمده، قرار ذیل می باشد:

هیچ کس خارج از محل قادر به دانستن حقایق محل نمی باشد. شخصی که از وی مصاحبه صورت گیرد با افزودن فاصله همراهی محقق تمام امکانات ارتباطات واقعی و مؤثر را از بین می برد. به طور کاملاً مشخص، اکثریت مصاحبه های جمع آوری شده در صورت فاصله اختیار نمودن شخص که با وی مصاحبه صورت می گیرد، جواب حاصل شده این طور می باشد « این چه افغانستان اس» به دری و یا به پشتو « خو دا افغانستان دی».

با وجود آن امکان از بین بردن این این شیوه دوری اختیار نمودن وجود دارد.

در واقع این نوع طرز برخورد یک مشکل یا مانع در صورتی که سوال مشخص باشد، به وجود نمی آید: طور مثال در مقابل این نوع سوال: آیا دختران محل شما از ساختمان جدید مکتب خود راضی و خشنود هستند؟ این گونه جواب به دست می آید: «معلوماتاً، بسیار خوش دارند مکتب بروند و می دانند که خواهران بزرگتر شان از علم به دلیل جنگ محروم شدند.»

اما شما چه فکر می کنید؟

«این جا افغانستان است و مشکلات بسیار بزرگ است!» به تعقیب آن یک لست بسیار طولانی از مشکلات را پیش می اندازند، که عناصر عمده آن را طور ذیل بیان می دارند:

جامعه ما رفتن به مکتب را برای دختران جوان مانع می شود، در اثر عدم موجودیت امنیت، و فعالیت های تبهکاران و شیادان و از طرف دیگر فساد و رشوه خوری مدرسین مکتب، که حتی مواد درسی کمک شده را دزدی می کنند.

به این ترتیب به مقابل سوال مشخص، موفق به یافتن جواب شده می توانیم. به همه حال چیزی که از این ملاقات ها و مشاهدات به دست می آید همیشه انگشت بالای مشکلات که منبع و منشأ آن محرومیت ها می باشند و عناصر منفی که محیط اجتماعی این اشخاص را تشکیل داده است، گذاشته می شود.

ادامه دارد



marjan_kamal_107_tahrik_talibaan_4.pdf

